

## هویت ایرانی (۳) (هویت سیاسی ایران)

درس  
۱۵



### پلن اول

توی این درس قراره بریم سراغ یه بُعد رینگه هویت، یعنی هویت سیاسی ایران! برای فهمیدن هویت سیاسی، اول باید با یک سری اصطلاحات سیاسی آشنا بشیم تا بعد ببینیم منظور از هویت سیاسی ایران اصلاً چی هستن و ایرانی که ما الان توش زندگی می‌کنیم هویت سیاسی چیه؟

### 🗨️ : هویت سیاسی ایران

نوع نظام سیاسی در یک جهان اجتماعی بر آن جهان تأثیر می‌گذارد و در مقابل، هر جهان اجتماعی نیز نوعی از نظام سیاسی را ایجاد می‌کند. برای فهم هویت سیاسی ایرانی، باید ابتدا با مفاهیم مربوط به آن آشنا شویم:

### 👥 قدرت و انواع آن

**تعریف قدرت:** انجام فعالیت‌ها و کارها با آگاهی و اراده

انسان، به این دلیل که کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است.

قدرت انسان به دو نوع کلی تقسیم می‌شود:

- ۱. قدرت فردی:** قدرت فردی انسان محدود است؛ زیرا او به تنهایی نمی‌تواند نیازهای خود را برآورده کند و برای تأمین غذا، پوشاک و نیازهای اولیه زندگی خود به کمک دیگران نیازمند است.
- ۲. قدرت اجتماعی:** قدرت اجتماعی زمانی ظاهر می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.

هرچه فرد توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران داشته باشد، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار است.

### 🗨️ دیالوگ

🗨️ یعنی قدرت اجتماعی، مخصوص افراد؟

🗨️ خیر! نه فقط افراد! بلکه نهادها، سازمان‌ها و جوامع و ... هم دارای قدرت اجتماعی هستند.

مثال از قدرت اجتماعی افراد:

«محمد صلاح، بازیکن مصری فوتبال، اون قدر بین مردم مصر محبوبیت داشت که توی انتخابات ریاست‌جمهوری بدون اینکه نامزد بشه، حدود

یک میلیون نفر از مردم بهش رأی داده بودن.»

مثال از قدرت اجتماعی نهادها و سازمان‌ها:

«توی سال ۱۹۸۰ میلادی یه خانوم چینی جریمه شد و اسم فرزندش تا چند سال توی اسناد رسمی به ثبت نرسید و نداشتن بره مدرسه؛ چرا؟

چون مطابق قوانین، اون خانوم اجازه نداشت فرزند دوم داشته باشه!»

### 👥 انواع قدرت اجتماعی

**۱. قدرت سخت:** همان‌طور که از اسم آن پیداست، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود.

این نوع قدرت، همان است که در گذشته، موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد!

🗨️ نبردهای تن‌به‌تن و استفاده از زور و قدرت نظامی قدیم رو می‌گم.

**۲. قدرت نرم:** این نوع قدرت، برعکس قدرت سخت، به‌شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی اعمال می‌شود و برای رسیدن به هدف خود از ابزارهایی مانند

رسانه‌ها و نهادهای آموزشی کمک می‌گیرد.

این قدرت امروزه سلطه فرهنگی را به‌دنبال می‌آورد.

🗨️ نفوذ نظام آموزشی یک کشور می‌تونه فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز اون رو براساس منافع و اهداف خودش تغییر بده! بدون اینکه کسی متوجهش

بشه! پس خطرناک‌تر از قدرت سخته!

**دیالوگ**

با توجه به این تغییر در قدرت از گذشته تا الان، یعنی الان دیگه جنگ رخ نمی‌ده؟ فقط قدرت نرم داریم؟ سؤال خوبی! الان هم هر دو مدل قدرت رو داریم. اما می‌خوام بگم قدرت نرم تأثیرش بیشتره؛ یعنی: قدیم اینجوری بود که جنگ توی یک قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی رخ می‌داد و رسانه‌ها خبرش رو منتشر می‌کردند؛ اما امروزه درگیری و نبرد بیشتر در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه رخ می‌ده! اگر هم درگیری نظامی به وجود بیاد، می‌تونیم بگیم این درگیری در ادامه همون جنگ فرهنگی بوده!

مؤلفه‌ها	نوع قدرت اجتماعی	قدرت سخت	قدرت نرم
ابزار مورد استفاده	ابزارهای خشن	نظامی، زور، ابزارهای خشن	فرهنگی، رسانه، نظام آموزشی
نوع نمایش	آشکار	آشکار	پنهان
نهاد اعمال‌کننده	نهاد نظامی	نهاد نظامی	نهاد آموزشی
نتیجه	سلطه سیاسی و اقتصادی	سلطه سیاسی و اقتصادی	سلطه فرهنگی = هژمونی

**:: هژمونی - سلطه فرهنگی**

هنگامی که سلطه، به شیوه فرهنگی اعمال شود، بیشتر مورد رضایت و پذیرش مردم قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان این نوع سلطه را «هژمونی» می‌نامند.

از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی استفاده می‌کند ← مثل هنر و رسانه

سلطه هژمونیک هدفش در استفاده از هنر و رسانه «مهندسی رضایت عمومی» و «توجیه برتری جویی خود» است.

مثل رسانه‌های آمریکایی، برای اینکه مردم جهان را برای مقابله با اسلام قانع کنند و تهاجمات خود به اسلام را توجیه کنند، «اسلام هراسی» را به عنوان یک شیوه برای گسترش هژمونی خود به کار می‌برند.

**قدرت اجتماعی کنشگران فردی در مقایسه با دولت‌ها:**

در حال حاضر، استفاده از شبکه‌های مجازی، فضایی برای ایجاد ارتباطات گسترده برای افراد ایجاد کرده و گاهی بعضی از این کنشگران، بیشتر از دولت‌ها می‌توانند تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی داشته باشند.

به این کنشگران فردی تأثیرگذار، سلبریتی می‌گوییم که معروف شدن خود را مدیون رسانه هستند!

سلبریتی: به معنای ستاره و فرد مشهور است که معروفیت خود را از رسانه گرفته و در مقابل، رسانه از طریق او درآمزی می‌کند؛ سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز می‌شوند و جنبش‌هایی راه می‌انازند.

**دیالوگ**

منظور از سلبریتی رو متوجه شدم، اما یعنی چی که می‌تونن جریان‌ساز بشن و جنبش راه بندازن؟ اگر از اینستاگرام استفاده می‌کنی، قطعاً دیدی که گاهی هنرمندا، ستاره‌های ورزشی و ... در دفاع از یک جریان یا مخالفت با یک جریان که توی کشور مطرح شده، نظراتی می‌دن! این نظرات روی طرز فکر مخاطبان اون‌ها که تعدادشون هم کم نیست، تأثیر می‌ذاره و ممکنه یک جنبش اجتماعی رو راه بندازه! اینجاست که می‌گیم بعضی وقتاً تأثیر کنشگران فردی مثل سلبریتی‌ها حتی بیشتر از دولت‌ها می‌شه. یا مثال بارزش ادوارد اسنودن! کسی که با پخش اطلاعات طبقه‌بندی شده سازمان سیا درباره جاسوسی از مردم، جریان‌ساز شد!

**:: هژمونی - مقبولیت و اقتدار**

تنها عامل شکل‌گیری قدرت اجتماعی، جلب تبعیت فرد دیگر است؛ یعنی او باید بپذیرد که فعالیت ارادی خود را مطابق با اراده و میل ما انجام دهد. به عبارت دیگر:

**قدرت اجتماعی بدون نوعی از پذیرش و توافق پدید نمی‌آید.**

حال تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر گاهی با میل و خواسته خود اوست و گاهی با زور و از سر اجبار! بنابراین تبعیت، خودش انواعی دارد. انواع تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر:

۱. **تبعیت با کراهت:** زمانی صورت می‌گیرد که تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر ناشی از تهدید و ترس باشد. تبعیت با کراهت تا زمانی ادامه دارد که تنبیه تأثیرگذار باشد و فرد برای فرار از تنبیه از فرد دیگر تبعیت کند.

مثل تبعیت از استالین

۲. **تبعیت با رضایت:** زمانی صورت می‌گیرد که یک فرد با میل درونی خود مطابق با اراده دیگری عمل کند. **مثال:** تبعیت مردم از هیتلر که تا حدی ناشی از موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی آلمان در زمان صدراعظمی او بود. **اقتدار:** قدرتی که با **مقبولیت** همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود.

## دیالوگ

گفتیم که قدرت اجتماعی فقط با تبعیت دیگری و پذیرش و توافق اون پدید می‌آید! درسته؟  
درسته.

پس فقط توی تبعیت با رضایت هست که قدرت اجتماعی شکل می‌گیره؟  
نه دیگه! برای شکل‌گیری قدرت اجتماعی فقط تبعیت لازمه! دیگه مهم نیست شما این تبعیت رو با زور به دست آوردی یا براساس میل طرف مقابل! مهم اینه که تبعیت و پذیرش باشه! نوع تبعیت در شکل‌گیری قدرت اجتماعی تأثیری نداره!

## : : ۱۱۱\_ مقبولیت و مشروعیت

**مقبولیت:** جایی است که قدرت بدون اکراه و با رضایت باشد.  
**مشروعیت:** قدرتی است که براساس یک نظام عقیدتی و ارزشی خاص اعمال می‌شود.



- پس:
- ★ اگر فرد فعالیتش را با اکراه و تنها برای فرار از پیامدهای ناگواری که از طرف صاحب‌قدرت بر او وارد می‌شود، انجام دهد ← قدرت، مقبولیت ندارد.
  - ★ اگر قدرت، موافق حکم و قانون و اراده تشریحی خداوند اعمال شود ← مشروعیت حقیقی دارد.
  - ★ اگر قدرت، مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشر باشد ← مشروعیت دروغین دارد.
  - حال مشروعیت حقیقی و مقبولیت می‌توانند با یکدیگر جمع شوند و در برخی از موارد نیز می‌توانند جدا از یکدیگر باشند. به حالت‌های زیر توجه کنید:
  - ★ قدرت مطابق قانون و حکم الهی و تبعیت با رضایت ← اقتدار و قدرت دارای مشروعیت حقیقی و مقبولیت
  - ★ قدرت برخلاف قانون و حکم الهی و تبعیت با رضایت ← اقتدار غیرمشروع

## دیالوگ

پس یه قدرت می‌تونه نامشروع باشه اما مقبولیت داشته باشه؟!  
درسته. در حالت عادی می‌تونه! اما نه توی همه جوامع! مثلاً تو جامعه‌ای که فرهنگ عمومی مردمش فرهنگ دینی هست مثل جامعه ما، یه قدرت نامشروع نمی‌تونه مقبولیت داشته باشه!

## سیاست



**تعریف سیاست:** هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید؛ زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است.

## : : ۱۱۲\_ نظام سیاسی

**تعریف نظام سیاسی:** نظام سیاسی شامل مجموعه سازوکارهایی است که در جهان اجتماعی برای اعمال سیاست‌های آن وجود دارد. در یک جهان اجتماعی، نظام‌های سیاسی نمی‌توانند مستقل از سایر نظام‌های فرهنگی، اقتصادی و ... باشند.

## انواع نظام‌های سیاسی

- نظام‌های سیاسی را با توجه به سه ملاک دسته‌بندی می‌کنند:
۱. **براساس کمیت (تعداد) افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیر:**
    - ★ نظام‌ها و حکومت‌هایی که یک فرد در آنها حاکمیت دارد.
    - ★ نظام‌هایی که اقلیتی از مردم در آن تصمیم می‌گیرند.
    - ★ حکومت‌هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی آن دخیل هستند.

(کنگاشی)

۹۵۴. قدرت اجتماعی .....

- ۱ در بین کسانی که در زندگی توان تأثیرپذیری بیشتری از اراده دیگران دارند، پدید می‌آید.
- ۲ هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد.
- ۳ زمانی به وجود می‌آید که انسان بتواند از اراده دیگران تأثیر بپذیرد و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.
- ۴ انسان محدود است به گونه‌ای که نمی‌تواند نیازهای خود را به تنهایی انجام دهد و برای تأمین نیازهای خود به دیگران احتیاج دارد.

(هافظه‌ای)

۹۵۵. به ترتیب اساس (مدار) «مقبولیت» و «مشروعیت» قدرت کدام است؟

- ۱ حق یا باطل بودن قدرت - خواست و اراده کسی که قدرت را اعمال می‌کند.
- ۲ حق یا باطل بودن قدرت - خواست و اراده کسی که قدرت بر او اعمال می‌شود.
- ۳ خواست و اراده کسی که قدرت را اعمال می‌کند. - حق یا باطل بودن قدرت
- ۴ خواست و اراده کسی که قدرت بر او اعمال می‌شود. - حق یا باطل بودن قدرت

(هافظه‌ای)

۹۵۶. کدام یک به ترتیب، «نظام‌سیاسی» و «سیاست» را توصیف می‌کند؟

- ۱ مجموعه عوامل اجراکننده قدرت - به کارگیری قدرت سازمان‌یافته برای اهداف معین
- ۲ به کارگیری قدرت سازمان‌یافته برای اهداف مشخص - مجموعه عوامل اجراکننده قدرت سازمان‌یافته
- ۳ مجموعه سازوکارهای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی - به کارگیری قدرت سازمان‌یافته برای هدف مشخص
- ۴ به کارگیری قدرت سازمان‌یافته برای هدفی معین - مجموعه سازوکارهای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی

(هافظه‌ای)

۹۵۷. کدام یک به ترتیب بیانگر «معنای عام سیاست» و «اقتدار» است؟

- ۱ هر نوع تدبیر و سازمان‌دهی کنش‌ها - قدرتی که با مقبولیت باشد و به صورت غیررسمی پذیرفته شده باشد.
- ۲ هر نوع تدبیر و سازمان‌دهی قدرت - قدرتی که با مقبولیت باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد.
- ۳ هر نوع تدبیر کنش‌ها برای رسیدن به اهداف عام - قدرتی که بدون مقبولیت باشد و به صورت غیررسمی پذیرفته شده باشد.
- ۴ هر نوع تدبیر قدرت برای رسیدن به هدف مشخص - قدرتی که با مشروعیت باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد.

(هافظه‌ای)

۹۵۸. گونه‌شناسی ارسطو در ارتباط با نظام‌های سیاسی براساس کدام ملاک‌ها ارائه شده است؟

- ۱ «روش تصمیم‌گیری و تأثیر‌گذاری» و «دینی یا دنیوی بودن»
- ۲ «کمیت افراد تأثیر‌گذار و تصمیم‌گیر» و «روش تصمیم‌گیری و تأثیر‌گذاری»
- ۳ «کمیت افراد تأثیر‌گذار و تصمیم‌گیر» و «دینی یا دنیوی بودن»
- ۴ «روش تصمیم‌گیری و تأثیر‌گذاری» «دینی یا دنیوی بودن» و «کمیت افراد تأثیر‌گذار و تصمیم‌گیر»

(هافظه‌ای)

۹۵۹. در تقسیم‌بندی ارسطو، نظام‌های سیاسی «مونارشی» و «الیگارش» به ترتیب، چه نوع حکومت‌هایی هستند؟

- ۱ حاکمیت فرد براساس فضیلت - حاکمیت اقلیت مردم براساس خواسته‌های نفسانی آنها
- ۲ حاکمیت فرد براساس خواسته‌های نفسانی او - حاکمیت اقلیت مردم براساس فضیلت
- ۳ حاکمیت اقلیت مردم براساس خواسته‌های نفسانی او - حاکمیت فرد براساس فضیلت
- ۴ حاکمیت اقلیت براساس فضیلت - حاکمیت فرد براساس خواسته‌های نفسانی او

(هافظه‌ای)

۹۶۰. کدام یک از نظام‌های سیاسی به ترتیب، «حاکمیت اکثریت براساس فضیلت» و «حاکمیت فرد براساس خواست و میل خود» است؟

- ۱ جمهوری - مونارشی
- ۲ پولیتی - تیرانی
- ۳ دموکراسی - استبدادی
- ۴ جمهوری - اریستوکراسی

(هافظه‌ای)

۹۶۱. در تقسیم‌بندی ارسطو، نظام‌های سیاسی «دموکراسی» و «اریستوکراسی»، به ترتیب، چه نوع حکومت‌هایی هستند؟

- ۱ حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل آنها - حاکمیت اقلیت مردم براساس خواست و میل آنها
- ۲ حاکمیت اقلیت مردم براساس فضیلت - حاکمیت اکثریت مردم براساس میل و خواست آنها
- ۳ حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل آنها - حاکمیت اقلیت مردم براساس فضیلت
- ۴ حاکمیت اکثریت مردم براساس فضیلت - حاکمیت اقلیت مردم براساس خواست و میل آنها

(هافظه‌ای)

۹۶۲. در عقاید اسلامی، احکام و مقررات ..... شکل می‌گیرد و شناخت و اجرای ارزش‌های الهی و احکام و مقررات اجتماعی با استفاده از ..... بر عهده

(هافظه‌ای)

..... است.

- ۱ توسط انبیا و اولیای الهی و با اراده خداوند - وحی - انبیا و اولیای الهی
- ۲ با اراده و مشیت خداوند - عقل و وحی - انبیا و اولیای الهی
- ۳ با اراده و مشیت خداوند - عقل و وحی - انسان‌ها
- ۴ بدون توجه به خواست انبیا و اولیای الهی و با اراده خداوند - عقل - انسان‌ها

(کنگاشی)

۹۶۳. کدام یک در ارتباط با ارزش‌های اجتماعی اسلامی درست است؟

- ۱ اغلب آنها ناظر بر مسائل اجتماعی و دنیوی نیستند.
- ۲ عمل به آنها مانند سایر عبادات، سبب تقرب انسان به خداوند می‌شود.
- ۳ عمل به آنها رفتاری دنیوی نیست، بلکه وظیفه الهی است.
- ۴ برخی از آنها تفسیری دنیوی و سکولار ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند.

۹۳۸. تبعیت از نوع رضایت

۹۳۹. مشروعیت حقیقی

۹۴۰. قدرتی مقبول ولی غیر مشروع

۹۴۱. ۱. ب ۲. پ ۳. ت ۴. الف

۹۴۲. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. مثال: گاندی رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس، مردم هند به او لقب ماهاتما (روح بزرگ) و بابو (پدر ملت) داده‌اند.

۹۴۳. در نظام سیاسی استبدادی یک نفر براساس خواست و میل خود حکومت می‌کند، درحالی که در نظام «جمهوری» اکثریت مردم براساس فضیلت حکومت می‌کنند.

۹۴۴. دین‌مداری و دنیامداری؛ نظام سیاسی دینی و دین‌مدار براساس احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد، در مقابل نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد.

۹۴۵. الف) نظام‌هایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد. ب) نظام‌هایی که در آن اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند. پ) نظام‌هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.

۹۴۶. واجد مشروعیت و فاقد مقبولیت؛ وقتی مجرمی مرتکب جنایت می‌شود، به این معنی است که قدرت و قوانین آن را به اکراه پذیرفته است؛ پس این قدرت در نزد این مجرم فاقد مقبولیت است، اما وقتی گفته می‌شود که حکم الهی بر او اجرا می‌شود، به این معنی است که قدرت واجد مشروعیت است.

۹۴۷. اگر قدرتی که بر جامعه دینی اعمال می‌شود برخلاف احکام الهی باشد، قدرتی نامشروع و فاقد مقبولیت است؛ زیرا افراد جامعه آن قدرت را به دلیل اینکه مغایر با ارزش‌ها و عقاید دینی است به اکراه می‌پذیرند.

۹۴۸. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد به نظام سیاسی شکل می‌دهد. / اثر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی؛ با تشکیل حکومت شوروی (شکل‌گیری یک نظام سیاسی) مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به‌عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی رایج شدند. / اثر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی؛ شعار جمهوری فرانسه بر سر در یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م. مبنی بر جدایی دین از سیاست.

۹۴۹. هم در نظام سیاسی جمهوری و هم در نظام سیاسی دموکراسی، قدرت دست اکثریت مردم است و این شباهت این دو نوع نظام سیاسی است؛ اما شیوه حکومت در نظام سیاسی جمهوری، مبتنی بر فضیلت است و در دموکراسی مبتنی بر خواست و میل افراد است.

۹۵۰. حضور مردم در نظام لیبرال دموکراسی براساس ارزش‌های دنیوی است، از قبیل حق شهروندی، اما در نظام جمهوری اسلامی بر مبنای وظیفه شرعی و الهی است.

۹۵۱. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: به تعریف قدرت اجتماعی اشاره دارد، درحالی که در صورت سؤال معنی کلی قدرت انسان مورد پرسش قرار گرفته است نه انواع آن. / گزینه‌های «۳» و «۴»: در ارتباط با نظام سیاسی می‌توانند مطرح شوند نه در ارتباط با قدرت انسان. (صفحه ۱۱۷)

۹۵۲. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های «۱» و «۲»: به محدود بودن قدرت اجتماعی اشاره دارد. می‌دانید که قدرت فردی برای تأمین نیازهای اولیه محدود است نه قدرت اجتماعی. / گزینه «۳»: فعالیت‌های غیرارادی مانند ضربان قلب تحت کنترل انسان قرار ندارند، بنابراین انسان توانایی سازماندهی آن‌ها را ندارد. (صفحه ۱۱۷)

۹۵۳. **گزینه ۱** قدرت اجتماعی انسان حاصل تأثیرگذاری بر اراده دیگران است نه تأثیرپذیری، بنابراین گزینه‌های «۲» و «۴» را رد می‌کنیم. قدرت اجتماعی تابع فعالیت ارادی دیگران نیست، بلکه تابع به خدمت گرفتن یا هدایت فعالیت ارادی دیگران است، پس گزینه «۳» را نیز رد می‌کنیم. (صفحه ۱۱۷)

۹۵۴. **گزینه ۲** قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد. (صفحه ۱۱۷)

۹۵۵. **گزینه ۴** «اساس مقبولیت»: خواست و اراده کسی است که قدرت بر او اعمال می‌شود نه کسی که قدرت را اعمال می‌کند. با این توضیح به راحتی می‌توان گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» را حذف کرد. همان‌طور که می‌دانید اساس مشروعیت قدرت، حق یا باطل بودن است. (صفحه ۱۲۰)

۹۵۶. **گزینه ۳** نظام سیاسی شامل مجموعه سازوکارها برای اعمال سیاست‌های نظام اجتماعی است. با مشاهده گزینه‌ها متوجه می‌شویم که تنها در بخش اول گزینه «۳» تعریف نظام سیاسی مطرح شده است، بنابراین به راحتی می‌توان گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» را رد کرد. (صفحه ۱۲۰)

۹۵۷. **گزینه ۲** معنای عام سیاست، هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است. با این توضیح می‌توان گزینه‌های «۱» و «۳» را رد کرد. اقتدار، قدرتی است که هم با مقبولیت همراه است (نه مشروعیت) و هم به صورت رسمی پذیرفته شده است. (صفحات ۱۱۹ و ۱۲۰)

۹۵۸. **گزینه ۲** ارسطو در گونه‌شناسی خود در ارتباط با نظام‌های سیاسی از دو ملاک استفاده کرد: ۱. کمیت افراد تأثیر گذار ۲. روش تأثیر گذاری. (صفحه ۱۲۲)

۹۵۹. **گزینه ۱** «مونارشی»: حاکمیت فرد براساس فضیلت / «الیگارشی»: حاکمیت اقلیت براساس خواسته‌های نفسانی (صفحه ۱۲۲)

۹۶۰. **گزینه ۲** «پولیسی (جمهوری)»: حاکمیت اکثریت براساس فضیلت / «تیرانی (استبدادی)»: حاکمیت فرد براساس خواست و میل خود (صفحه ۱۲۲)

۹۶۱. **گزینه ۳** «دموکراسی»: حاکمیت اکثریت براساس خواسته‌های نفسانی / «ارستوکراسی»: حاکمیت اقلیت براساس فضیلت (صفحه ۱۲۲)

۹۶۲. **گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: در عقاید اسلامی، احکام و مقررات با اراده و مشیت خداوند شکل می‌گیرند، بنابراین گزینه «۱» را رد می‌کنیم. شناخت و اجرای ارزش‌های الهی با استفاده از عقل و وحی صورت می‌گیرد، پس می‌توانیم گزینه «۴» را نیز رد کنیم. شناخت و اجرای ارزش‌های الهی بر عهده همه انسان‌ها است نه فقط انبیای الهی، پس گزینه «۲» نیز رد می‌شود. (صفحه ۱۲۳)

۹۶۳. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: اگر فعل «نیستند» تبدیل شود به فعل «هستند» درست خواهد بود. / گزینه «۳»: چرا این گزینه نادرست است؟ به این جمله از کتاب درسی توجه کنید: «عمل به ارزش‌های اجتماعی اسلامی، رفتاری صرفاً دنیوی نیست، بلکه یک وظیفه الهی است.» یعنی عمل به ارزش‌های اجتماعی اسلامی هم رفتاری دنیوی است و هم یک وظیفه الهی. / گزینه «۴»: اگر قید «برخی» تبدیل شود به «اغلب» درست خواهد بود. (صفحه ۱۲۳)

۹۶۴. **گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: اگر قید «اغلب» تبدیل شود به قید «برخی» درست خواهد بود. / گزینه «۳»: اگر «فردی» تبدیل شود به «اجتماعی» درست خواهد بود. / گزینه «۴»: در عقاید اسلامی، جمهوری به معنی «به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی» است نه آنچه در گزینه «۴» مطرح شده است. (صفحه ۱۲۳)

۹۶۵. **گزینه ۱** «قدرت اجتماعی»: بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید (رد گزینه «۴»). / «قدرت مقبول»: بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید. مدار مقبولیت خواست و اراده مردم است نه حق و باطل بودن (رد گزینه «۲»). / «تبعیت»: دو حالت با رضایت و با کراهت دارد. قدرت می‌تواند نامشروع باشد اما با تبعیت همراه باشد (رد گزینه «۳»). (صفحات ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۱۹)

۹۶۶. **گزینه ۴** دقت کنید که جهت فلش را در پاسخ‌گویی رعایت کرده باشید. اگر چنین نبوده، یک بار دیگر تست را بزیند و بعد پاسخ را ببینید. الف) تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: در بخش اول گزینه «۱» رابطه برعکس است، یعنی تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی است. / بخش اول گزینه «۲» ایجاد قانون نیز تأثیر سیاسی بر فرهنگی است؛ یادتان باشد قوانین را نظام سیاسی مدون می‌کند. / بخش اول گزینه «۳» نیز تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی است. (صفحه ۱۲۱)